

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

صیغ العقود آسان

(بحث نکاح و طلاق)

بہ قلم: محمد رضا جلیلی (اخری)

سرشناسه	: جلیلی اهری، محمدرضا، ۱۳۳۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: صیغ العقود آسان (بحث نکاح و طلاق) / محمدرضا جلیلی اهری.
مشخصات نشر	: تبریز: انتشارات پژوهش‌های دانشگاه، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۸۱ ص: ۱۷۰۱۱ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰-۸۷۰۳-۷۳-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: زناشویی (فقه)
موضوع	: Marriage (Islamic law)
موضوع	: طلاق (فقه)
موضوع	: Divorce (Islamic law)
موضوع	: زناشویی (اسلام)
موضوع	: Marriage -- Religious aspects -- Islam
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ص۸/ج۸/۱۸۹/۸۱ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۷۱۹۱۹۴

عنوان کتاب : صیغ عقد آسان
کتاب : محمدرضا جلیلی
نشر : انتشارات پژوهش‌های دانشگاه
طراح روی جلد : مهذب ویرانه‌ها
صفحه آرای : محمد محمدنقی
ویراست : مهذب
تولید : مهذب
نوبت چاپ : اول / ۱۳۹۶
شابک : ۹۷۸-۶۰-۸۷۰۳-۷۳-۰
قیمت : (ریال) *****

انتشارات پژوهش‌های دانشگاه
مرکز تخصصی چاپ نشر کتب دانشگاهی ویژه اساتید و اعضای هیات علمی دانشگاه ها



انتشارات پژوهش‌های دانشگاه
وزارت آموزش عالی و تحصیلات عالی

آدرس دفتر مرکزی : آذربایجان شرقی ، تبریز ، آبرسان ، مجتمع تجاری بلور ، روبروی کلاتری ، داخل حیاط (ضلع شرقی) ، پلاک ۳۹
تلفن های تماس بخش مدیریت : ۰۹۱۴۶۱۴۳۳۴۶ / ۰۴۱۳۳۳۴۲۱۱۶

دفتر اهر : شهرستان اهر - میدان معلم - روبروی دارایی - انتشارات پژوهش‌های دانشگاه / دفتر اهر
مرکز بخش : آذربایجان شرقی ، تبریز ، خیابان امام ، روبروی سه راه طاقانی ، انتشارات شایسته

www.Pajohesh-daneshgah.ir / Info@pajohesh-daneshgah.ir www.Unpb.org / Info@unpb.org

طبق قانون حمایت از حقوق ناشران و مولفان هر شخص حقیقی و حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر بدون اجازه ناشر و مولف ، نشر یا عرضه یا تکثیر یا تجدید چاپ نماید مورد پیگیری جدی قانونی خواهدگرفت و مطابق با جرایم قوانین اسلامی برخورد خواهد شد.

فهرست مطالب

۵.....	بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ.....
۶.....	بحث نکاح.....
۶.....	من تزوج احرز نصف دینه.....
۱۴.....	فضیلت ازدواج موقت(متعّه).....
۱۸.....	اذن و اجازه پدر و یا جد پدری در ازدواج:.....
۲۱.....	تفاوت بین عقد دائم و موقت:.....
۲۷.....	انواع مهریه:.....
۲۹.....	طریقه اخذ وکالت از زوجین (فارسی).....
۳۰.....	خطبه عقد(فارسی).....
۳۱.....	لزوم خواندن صیغه بزبان عربی:.....
۳۳.....	شرائط عقد:.....
۳۳.....	خطبه عقد(عربی):.....
۳۴.....	صور مختلف عقد نکاح:.....
۳۸.....	عقد دائم وکالتی:.....
۵۳.....	عقد فضولی.....
۵۵.....	دعا بعد از عقد نکاح:.....
۵۶.....	طلاق:.....
۵۹.....	اقسام طلاق:.....
۶۲.....	صور مختلف صیغه طلاق.....

ادامه فهرست مطالب

۶۵.....	خلع:
۷۳.....	مبارات:
۷۴.....	عده:
۷۹.....	والسلام على من التبع الهدى.....
۷۹.....	منابع.....

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الْبَارِئِ الْمَنَّانِ، الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ وَعَلَّمَهُ
 الْبَيَانَ، وَجَعَلَ الْعِلْمَ هَادِيًا إِلَى طَرِيقِ الْجَنَانِ، وَالصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلَى مَنْ بَعَثَ إِلَى الْخَلَائِقِ بِالْقُرْآنِ، وَعَلَى آلِهِ
 الْأَطْهَرِينَ الَّذِينَ هُمْ أَمْنَاءُ الرَّحْمَنِ، وَالْعَنُ الدَّائِمُ وَالْعَذَابُ
 الْأَلِيمُ، عَلَى أَعَادِيهِمْ أَجْمَعِينَ مِنْ أَهْلِ النَّبِرَانِ
 ای ذات تو بر کل ممالک مالک
 وی راه روان کوی عشقت سالک
 من وصف تو از کلام تو می گویم
 انت الباقی و کل شیء هالک

بحث نکاح

من تزوج احرز نصف دینه

ازدواج که یکی از مستحبات بسیار موکد اسلام است و احادیث زیادی در ترغیب و تشویق و انتقاد از ترک آن صادر گردیده است. ازدواج باعث آرامش روح و از بین رفتن فقر می باشد بنده با تجربه کاری در مدت ۴۵ سال و اندی که در دفتر ازدواج و طلاق پدرم در این امر خداپسندانه مشغول بودم تجربیاتی اخذ نموده و با مشکلاتی که گریبان گیر مردم می شد آشنا شدم لذا موارد زیر جهت جلوگیری از عواقب آتی توصیه می شود لطفا توجه شود.

۱- از والدین محترم و زوجین گرامی تقاضا میشود قبل از انجام آزمایش و مشاوره قبل از ازدواج اصرار بر اجرای عقد توسط عاقدین شرعی پرهیز نمایند و جهت

جلوگیری از عواقب آتی به دفاتر رسمی ازدواج مراجعه تا پس از انجام مراحل اولیه ثبت و صیغه جاری نمایند.

۲- در مورد صیغه محرمیت که همان عقد موقت است و این روزها مرسوم شده و مردم اصرار به آن دارند (جهت مراجعه به آزمایشگاه و خریدها) لطفاً از اجرای آن قبل از آزمایش پرهیز نمایند در صورت بروز اختلاف و یا مشکل آزمایش تندرستی در این چند روز موجب ناراحتی طرفین نشود و لازم است مزدوجین راهنمایی شوند تا قبل از خرید نسبت به انجام آزمایش و ثبت رسمی اقدام نموده و کارهای دیگر را بعداً انجام دهند و بنظرم با توجه به حدیث نبوی (وَيَجُوزُ النَّظَرُ إِلَى وَجْهِ امْرَأَةٍ لِّلَّتِي تُرِيدُ نِكَاحَهَا) قبل از ثبت در دفتر ازدواج نیازی به اجرای صیغه

نیست، زوجینی که بین آنها قبلا صیغه محرمیت جاری شده و هنوز از مدت آن باقی باشد حتما در حین ثبت سردفتر را از این امر مطلع سازند چون قبل از بذل مدت اجرای عقد نکاح دائم باطل است، در صیغه محرمیت دختر باکره اذن ولی لازم است

۳- در عقد دائم که بعضا عاقدین شرعی قبل از انجام آزمایش جاری میکنند و بعلت عدم آشنائی به قوانین و شرایط مندرج در سند ازدواج را در عقد یاد آور نمیشوند و یا نحوه پرداخت مهریه (عندالمطالبه - عندالاستطاعه) را تعیین نمیکنند که بعضا یا بعلت جواب منفی آزمایش تندرستی و یا تفهیم این مسائل در دفترخانه باعث جدائی طرفین میشود در حالیکه عقد بین آنها جاری شده که طلاق می طلبد و حتی بعضا از روی جهل و نادانی بدون طلاق از هم جدا

میشوند آیا مسئولیت شرعی آن بعهده چه کسی است. ازدواج های غیر رسمی که به ثبت رسمی نمی رسند بعدا تشریفات همچون (حکم الزام به ثبت) از دادگاه می طلبد و خدای نکرده موقع جدائی طلاق لازم میشود که نبود عقدنامه رسمی باعث سرگردانی شده و نمی توانند از دادگاه مجوز گرفته و اقدام به ثبت طلاق رسمی نمایند و یا بعضا اقدام به طلاق غیر رسمی مینمایند که در ازدواج بعدی زوجه مشکلاتی بوجود می آید و مدرک رسمی وجود ندارد، اجرای عقد دائم برای همسر دوم با وجود همسر اولی که منع قانونی دارد و بدون اجازه همسر اول و حکم ازدواج مجدد دادگاه قابل ثبت در دفتر نیست توصیه میشود رعایت شود و یا لا اقل عقد انقطاعی جاری شود که در موقع بروز اختلاف طلاق لازم نباشد. حتما قبل از اجرای

عقد با مشاهده شناسنامه از چگونگی ازدواج سابق زوجین اطلاع حاصل شود که خدای نکرده زوجه در قید زوجیت و یا عده دیگری نباشد

۴- عاقدین محترم در عقد موقت بعضاً مدت ۹۰ و یا ۹۹ ساله یا زیادتر از عمر انسان اجرا میکنند که این عقداز نظر فقها تبدیل به عقد دائم شده و طلاق می طلبد و از نظر آیت اله سیستانی حرام است توصیه میشود مدت متعارف در نظر گرفته شود.

۵- در ازدواج فامیلی از اجرای صیغه دائم و یا محرمیت خودداری شود و حتی نوصیه میشود بلی برون بین دو خانواده انجام و جریان را به دیگران بازگو نکنند و جواب قطعی را به بعد از آزمایش محول کنند، اول آزمایش بهداشت و بعد ژنتیک بروند اگر مشکلی نبود جریان را قطعیت داده و اقوام را مطلع

ساخته و ثبت نمایند و مسئله ژنتیک را ساده نگیرند چون ممکن است در اولادشان تاثیر بسزائی داشته باشد و باعث یک عمر ناراحتی و پشیمانی شود بنده کسانی را سراغ دارم که قبل از آزمایش صیغه خوانده شده و بعد پزشکان ازدواج را مصلحت ندانسته اند ولی زوجین میگویند به جهت اینکه صیغه خوانده شده و همگان میدانند چطور جدا شویم که مشکل ساز شده و یا اینکه بعضی هنگام آزمایش فامیل بودنشانرا انکار نموده و جواب گرفته و ازدواج خودشانرا ثبت نموده اند الان در اولادشان مشکل دارند که پشیمانی سودی ندارد

۶- در ثبت طلاق شتابزده عمل نشود و در اصلاح ذات البین که اجر و ثواب بیشتری دارد سعی نمایند، در اجرای صیغه طلاق شرایط شرعی زوجه و حضور

شهود عدلین (منظور از عادل در این مقام همان عادل در سایر مقامات (از قبیل امامت در نماز و غیره) است حتما رعایت شود.

منظور از شرائط شرعی: زوجه در طهر غیر مواقعه بوده و در حال حیض و نفاس نباشد پس بایستی معنی و مفهوم طهر غیر مواقعه به زوجه تفهیم شود (زوجه یعد از آخرین نزدیکی با شوهر یکبار عادت ماهیانه ببیند و پاک شود و دیگر نزدیکی نکرده باشد)

تبصره: اجرای صیغه طلاق در طهر مواقعه و در حال حیض و نفاس و عدم استماع شهود عدلین باطل است و در زنانیکه در سنین حائض هستند و به عللی عادت ماهیانه نمی بینند در طلاق بایستی پس از آخرین نزدیکی سه ماه تربص نگه دارند سپس طلاق جاری شود

در این مجموعه احادیث مربوط و صور مختلف عقد نکاح و طلاق آمده است

در قرآن مجید سه آیه در اهمیت اصل ازدواج آمده و همگان را به آن تشویق و دعوت کرده است:

وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (نور) مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید و همچنین غلامان و کنیزان صالح را، اگر فقیر و تنگدست باشند. خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می‌سازد؛ خداوند گشایش دهنده و آگاه است

وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَبِرُونَ (روم) و از نشانه‌های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار

آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند و این خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مِمَّنِّي وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَى أَلَّا تَعُولُوا (نساء) و اگر می‌ترسید که عدالت را رعایت نکنید با زنان پاک ازدواج کنید دو یا سه یا چهار همسر و اگر می‌ترسید عدالت را رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید و یا از زنانی که مالک آنها هستید، استفاده کنید. این کار از ظلم و ستم بهتر جلوگیری می‌کند

فضیلت ازدواج موقت (متعّه)

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: وقتی مرا به معراج بردند، جبرئیل از جانب خداوند پیغامی آورد که خداوند

تبارک و تعالی می فرمایند: «همانا زنان امت تو را که به ازدواج موقت درآیند می بخشم» (وسائل الشیعه، ۴۴۲/۱۴).

از امام رضا(ع) روایت شده که: درجه ایمان هیچ مؤمنی کامل نمی شود؛ مگر آنکه متعه انجام دهد (وسائل الشیعه، ۴۴۲/۱۴).

و از جمله خواصی که بر ازدواج موقت، مُتَرَتَّب و محبوب نزد خدا است، اینکه علاوه بر مصلحت های داعیه (برانگیزنده) ای که دارد، چون همه مردم قادر به ادای حقوق ازدواج دائمی نبودند؛ در صورت عدم تشریع این حکم بسیاری مرتکب زنا می شدند.

و همچنین دوری زنان از ازدواج موقت باعث ارتباط نامشروع آنها با مردان و به فحشاء کشیده شدن آنها میشود.

امام صادق(ع) می فرمایند: هر کس به این سنت الهی عمل کند و آنگاه غسل نماید، خداوند از هر قطره آب غسلش هفتاد ملائکه می آفریند تا برای وی استغفار نمایند تا روز رستاخیز و لعنت کنند بر کسانی که منکر متعه هستند تا روز قیامت» (سفینة البحار، محدث قمی، ۲/ ۵۲۱)

عبدالله بن سنان میگوید: امام صادق(ع) فرمودند: «خداوند شراب و مُسکرات را بر شیعیان ما حرام کرده، در عَوْض، مُتعه را برای آنها قرار داده است» (وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، ج ۲۱ / ص ۷) ترویج ازدواج موقت در فرهنگ شیعه و اهل بیت (ع) آنقدر اهمیت دارد که هر کس از ترویج این فرهنگ مُمانعت نماید، ملائک تا روز قیامت بر او لعنت می

فرستند در مضمون روایتی از امام رضا (ع) آمده: کسانی که تصمیم می‌گیرند یا عهد می‌کنند ازدواج موقت نکنند با خدا عهد کرده‌اند که اطاعت او را به جای نیاورند که این افراد معصیت کار هستند؛ زیرا عمل به مورد نذر باید از ترک آن ترجیح داشته باشد و ترک متعه شاید انسان را به گناه اندازد موسی همدانی از فردی نقل می‌کند که امام صادق (ع) فرمودند: «هیچ مُتعه کننده ای نیست مگر اینکه وقتی غسل می‌کند خدا برای هر قطره آبی که از او می‌ریزد، هفتاد فرشته می‌آیند که تا روز قیامت برای او استغفار کنند و بر هر کس که مانع ازدواج موقت شد لعنت بفرستند؛ تازه این قدری از ثواب متعه و گناه منع کننده آن میباشد» (رساله مُتعه یا ازدواج موقت، شیخ مفید،

اذن و اجازه پدر و یا جد پدری در ازدواج:
اذن یا رضایت یک امر درونی است و در اجازه بجز
رضا باید قصد انشا هم باشد (اذن که یک امر درونی
است داخل در اجازه است) اذن و اجازه پدر و یا
جد پدری در ازدواج دختران باکره (چه دائم و یا موقت
(لازم و شرط است و اکثر فقها آن را لازم دانسته اند
در ازدواج دختر باکره شرعا اذن ولی لازم است که در
قانون مدنی اجازه متصور شده است بدانجهت با
امضای اسنادانشا نموده و اجازه خود را تثبیت مینماید
. در مواردی که دختر رشیده و عاقله باشد و نیاز به
ازدواج داشته باشد و پدر یا جد پدری بدون علت موجه
از دادن اجازه خودداری نمایند با شرایط خود اذن و
اجازه ساقط و طبق قانون با اجازه دادگاه ثبت انجام
میگیرد. (ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی)

منظور از رشیده به دختری اطلاق میشود که مصلحت خود را تشخیص و به دور از فشار هیجان‌ات و تحریک‌های شهوانی تصمیم میگیرد و به آینده خود و خانواده و حیثیت آنها توجه دارد.

اگر پدر و یا جد پدری فوت کرده باشد دیگر اذن ساقط شده و اختیار با خود زوجیه میباشد و در عقدهائم نیازی به اجازه مادر و یا برادر نیست

عقد موقت دختر باکره : در متعه دختران باکره بنا بر احتیاط تکلیفا باید از پدر و یا جد پدری خود اجازه بگیرد چون تکوینا مفسده دارد (آیت اله بهجت)

با اینکه ازدواج موقت یکی از قوانین کلی و عمومی الهی است با آسیب های بسیاری همراه است و شایسته نیست که دختر مجرد باکره در شرایط معمولی و پیش از ازدواج دائم به این کار مبادرت نماید و با

توجه به فتوای اکثر مراجع ازدواج موقت دختر باکره نیاز به اذن پدر و یا جدپدری می باشد که در قید حیات آنها باید اذن و اجازه گرفت و نیز باید به دیگر شرائط و احکام آن ملزم بود که در غیر اینصورت ایراد شرعی پیدا می کند و صحیح نیست بفرض که دختر باکره رشیده بوده و یا پدر و جد پدری فوت نموده و اذن از آنها ساقط شده باشد باز بهتر است از این کار اجتناب ورزید چون ازدواج موقت باکره نه تنها تاثیر چندانی در کاهش و اطفای تمایلات غریزه جنسی ندارد بلکه حریص تر هم می نماید و نیاز کاذبی در وجود میبروراند

(جهت اطلاع بیشتر به فتوای مجتهدین محترم مراجعه شود)

تفاوت بین عقد دائم و موقت:

۱- عقد موقت نفقه و ارث ندارد، مگر در حین عقد شرط نفقه و ارث شود در آن موقع طبق شرط عمل میشود ولی در دائم نفقه و ارث مترتب می باشد.

۲- در عقد موقت زن آزاد است و اجازه شوهر برای او مترتب نیست به شرطیکه مزاحم حق شوهر نباشد و لی در عقد دائم بدون توافق این امر جائز نیست.

۳- عده عقد دائم سه طهر ولی عقد موقت دو حیض است .

۴- در عقد دائم جهت جدائی طلاق لازم است ولی در عقد موقت پایان مدت و یا بذل مدت از طرف زوج کافی است.

- ۵- عدم تعیین مهر در عقد موقت موجب بطلان عقد است ولی در دائم اجباری به تعیین مهر نیست که بعداً مهرالمثل تعیین میشود.
- ۶- در عقد دائم جلوگیری از بچه دار شدن منوط به رضایت زوجین است ولی در عقد موقت جلب رضایت طرف دیگر ضرورتی ندارد و فرزند حاصل همانند فرزند حاصل از دائم است.
- ۷- در عقد دائم تعیین محل سکونت با زوج بوده مگر حین عقد شرطی شود ولی در عقد موقت زوجه اجباری به ماندن در محل تعیین شده شوهر ندارد.
- ۸- در عقد دائم تمکین زن واجب ولی در موقت الزامی نیست و در موقت زوجین میتوانند زمان مراودت خود را از قبل تعیین نمایند.

۹- در عقد دائم زوج نمیتواند بیش از ۴ زن دائمی داشته باشد ولی در موقت شرط نیست.

۱۰- در عقد دائم با ایجاد سه بار طلاق محلل لازم است و مرد نمیتواند دوباره زوجه را همسر خود کند (زوجه به عقد دائم کس دیگری در می آید به شرط دخول از جلو پس از طلاق و اتمام عده بر شوهر اولی حلال میشود) ولی در موقت سه بار فسخ به محلل نیاز ندارد.

۱۱- در عقد دائم مسلمان نمیتواند با غیر مسلمان ازدواج کند ولی در موقت مرد مسلمان میتواند با زن غیر مسلمان اهل کتاب ازدواج کند

احادیثی در مورد نکاح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الف - از حضرت رسول اکرم (ص)

۱- قال: ایاکم و خضراء الدمن - قیل : یا رسول الله .
و ما خضراء الدمن ؟ قال - المرأء الحسناء فی منبت
السوء (مکارم الاخلاق)

بپرهیزید از سبزه هائی که در مزبله می روید عرض
شد یا رسول الله سبزه هائی که در مزبله می رویند
چیست حضرت فرمودند زن زیبائی که در خانواده
پست و ناشایست بوجود آمده باشد .

۲- تزوجوا الابرار فانهن اعذب افواها و ارتق ارحاما و
اسرع تعلما و اثبت للموده (بحار الانوار): با دختران
باکره ازدواج کنید زیرا که دهان آنان شیرین و
رحمشان مناسبتر و زود چیزی را یاد می گیرند و
محبتشان پایدارتر است .

۳- یفتح ابواب السماء بالرحمه فی اربع مواضع: عند نزول المطر- و عند نظر الولد فی وجه الوالدین و عند فتح باب الکعبه و عندالنکاح (بحار الانوار)

درهای رحمت در ۴ وقت گشوده میشود (موقع بارش باران- زمانیکه فرزند به چهره پدر و مادرش نگاه میکند- هنگام گشوده شدن کعبه- هنگام بریائی عقد و عروسی)

۴- اکثر اهل النار العزاب (من لا يحضره الفقيه) بیشتر اهل جهنم بی همسران هستند

۵- اذا تزوج الرجل احرز نصف دینه (مستدرک الوسائل) زمانیکه فردی ازدواج کند نصف دین خود را حفظ نموده است

۶- افضل نساء امتی اصبحن وجهان و اقلهن مهرا (من لا يحضره الفقيه)

بهترین زنان امت من خوشرویان و آنانیکه مهریه کمتر
دارندهستند

ب- از حضرت علی(ع):

قال علی علیه السلام .افضل الشفاعات ان تشفع بین
اثنین فی نکاح یجمع الله بینهما (تهذیب) بهترین
شفاعت ، شفاعت بین دو نفر در امر ازدواج است تا
اینکه خداوند آنانرا مجذوب یکدیگر گرداند

ج- از حضرت امام صادق(ع)

۱- العبد كلما ازداد للنساء حبا ازداد فی الايمان فضلا
(من لا يحضره الفقيه)

هرچه محبت مرد بر زن بیشتر شود بر فضیلت ایمانش
افزوده میشود

۲- ان من برکه المرأة قلة مهرها (من لا يحضره الفقيه)

از یمن و برکت زن کمی مهریه اوست

د- از حضرت امام رضا (ع)

قال الرضا عليه السلام اذا خطب اليك رجل رضيت دينه و خلقه فزوجه و لا يمنعك فقره (ميزان الحكمة)
 هنگامیکه مردی از شما خواستگاری کرد که از دین و اخلاق او راضی بودید به ازدواج با او رضایت دهید و مبدا فقر او تو را از این رضایت بازدارد

انواع مهریه:

- ۱- مهر المسمی: مقدار مهری که مورد توافق و رضایت زوجین بوده و در متن عقد آمده است
- ۲- مهر المثل: مقدار مهری که در نکاح مفوضه البضع به حسب شرافت و اوضاع و احوال زوجه به او داده میشود

- ۳- مهر المتعه: مقدار مهری که در نکاح مفوضه البضع شوهر به زن مطلقه خود برای تعیین این مهر بر خلاف مهر المثل از حیث غنا و فقر ملاحظه میشود
- ۴- مهر السنه: مقدار مهری که پیامبر اکرم (ص) به همسران و دختر خود قرار داده است که مقدار آن ۵۰۰ درهم می باشد (۱۲۵۰ گرم نقره یا ۵۰ دینار طلا) که به نرخ روز محاسبه میشود
- ۵- مهر التفویض یا مفوضه المهر: مقدار مهری که اختیار تعیین مهر به زوج و یا زوجه و یا شخص ثالث داده میشود
- ۶- تفویض البضع یا مفوضه البضع: عقد دائم بدون ذکر مهر و یا شرط عدم مهر

طریقه اخذ وکالت از زوجین (فارسی)

با صلوات بر محمد و آل محمد

بسم الله الرحمن الرحيم

قال رسول الله (ص): النكاح من سنتي فمن رغب عن

سنتي فليس مني على كتاب الله و سنت رسوله (ص).

دوشیزه محترمه مکرمه سرکار خانم ... فرزند آقای...

آیا بنده وکیلیم تا اینکه شما را با مهریه یک جلد کلام

اله مجید تیمنا و تبرکا و تعداد...قطعه سکه طلائی یک

بهار آزادی به نحوه (عندالمطالبه) و قبولی شرائط و

وکالت چایی ضمن عقد نکاحیه که به سمع و نظرتان

رسیده با اذن و اجازه پدرتان به عقد نکاح دائم و

زوجیت همیشگی و ابدی آقای ... فرزند در بیاورم

(بلی).

آقای... فرزند... آیا بنده وکیلیم تا اینکه دوشیزه و یا
 ذکیه محترمه مکرمه سرکار خانم... دختر... را با اذن
 و اجازه پدرش به عقد نکاح دائم و زوجیت همیشگی
 و ابدی شما با صداق و شرائط ذکر شده در بیاورم
 (بلی)

خطبه عقد (فارسی)

به امر پروردگار متعال و سیره نبوی و ولایت علوی و
 اذن و اجازه آقا ولی عصر ارواحنا له الفدا و رضایت
 اولیای زوجین و وکالت زوجین عقد نکاح دائم بین
 زوجین معلوم با مهریه... به میمنت و مبارکی و عاقبت
 به خیر انشاءاله وکالتا جاری میکنم قریه الی الله.
 به عقد دائم و همسری همیشگی دادم موکله ام دوشیزه
 ... دختر... را از برای موکل دیگرم آقای... فرزند.. با
 مهریه و شرائط معلوم شده

به همسری همیشگی قبول نمودم از برای موکلم
 آقای... فرزند... با مهریه و شرائط معلوم
 لزوم خواندن صیغه بزبان عربی:

خواندن صیغه نوعی التزام و تعهد عملی، اخلاقی،
 اجتماعی و مذهبی نسبت به عهد و پیمان است و عرفاً
 ایجاد یک حریم شرعی غیر قابل نقض، برای مُتَعَاقِدَیْنِ
 (طرفین عقد و قرارداد) میکند؛ که بدون خواندن صیغه،
 هر یک از آندو میتواند براحتی خیانت کرده و مُنْکِرِ
 تعهدات خود شود و چیزی یا چیزهایی را انکار کند!
 به عبارت بهتر، خواندن صیغه، زناشویی را از صِرْفِ
 یک عمل غریزی و حیوانی، به یک عمل قانونی،
 اخلاقی و انسانی مُبَدَّل می سازد.

احکام شرع مقدّس، تَعَبُّدِی (بنده و ارانه) و توفیقی
 (متوقف بر دستور شارع و بس) میباشد و کسی حقّ

سؤال پیرامون علت آنرا ندارد؛ و مقتضای ایمان صحیح نیز همین است (و اینگونه سؤالها ناشی از ضعف ایمان و یا بی ایمانی شخص است).

و اما عربی بودن صیغه که برخی ناآگاهان به آن نیز اشکال میکنند همانند عربی بودن الفاظ نماز و بسیاری دیگر از اعمال شریعت، به سبب آنستکه زبان مقدّس عربی، رسمی و قانونی شرع اسلام میباشد و این نیز امری تعبّدی و توقیفی است زبانه که ما حق چون و چرا در این دستور الهی را نداریم لذا در عقد فقط رضایت طرفین کافی نیست و باید صیغه خوانده شود و ازدواج معاطاتی حرام است

شرایط عقد:

۱- به عربی صحیح خوانده شود ۲- مجری عقد باید قصد انشا کنند ۳- عاقد باید عاقل و بالغ و مختار باشد ۴- زن و شوهر معین باشد ۵- زن و مرد راضی به ازدواج باشند

تبصره: در اجرای عقد نکاح طبق سیره بزرگان زوجه بر زوج مقدم است و لی میتوان زوج را بزوجه مقدم داشت ، بهتر است زوجه بر زوج مقدم باشد
خطبه عقد (عربی):

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ إِقْرَارًا بِنِعْمَتِهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِخْلَاصًا لِيُوحِدَانِيَّةٍ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ بَرِيَّتِهِ وَعَلَى الْأَصْفِيَاءِ مِنْ عِزَّتِهِ
فَقَدْ كَانَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَى الْأَنَامِ عَنْ أَعْنَاهُمْ بِالْحَلَالِ
عَنِ الْحَرَامِ وَأَوْحَى ذَالِكَ عَلَى نَبِيِّهِ الْكَرِيمِ فَقَالَ عَزَّ وَ

جَلَّ: وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ فَقَالَ رَسُولُهُ الْأَكْرَمُ (ص) مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّتِ رَسُولِهِ (ص)

صور مختلف عقد نکاح:

عقد نکاح به صورتهای گوناگون اجرا میشود و خود زوجین اگر عربی بلد باشند میتوانند خودشان اجرا کنند و یا برای خودشان وکیل بگیرند لذا چند وجه از آنها را بیان می نمایم

۱- عقد موقت :

اصلی: زن و مرد باهم

زن و شوهر اگر عربی بلد نباشند میتوانند به هر زبانی عقد بخوانند به شرطیکه معنی (زوجت و قبلت) را داشته باشد

زن بگوید: مَتَّعْتُكَ نَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ بِالْأَجْرَةِ الْمَعْلُومَةِ

مرد بگوید: قَبِلْتُ الْمُتَعَةَ لِنَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ بِالْأَجْرَةِ الْمَعْلُومَةِ

زن بگوید: زَوَّجْتُكَ نَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ بِالْأَجْرَةِ الْمَعْلُومَةِ

مرد بگوید: قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ لِنَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ بِالْأَجْرَةِ الْمَعْلُومَةِ

عاقده خود زوج است:

زَوَّجْتُ مُوَكَّلَتِي نَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ بِالْأَجْرَةِ
الْمَعْلُومَةِ

قَبِلْتُ التَّزْوِيحَ لِنَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ بِالْأَجْرَةِ
الْمَعْلُومَةِ

عاقده خود زوجه است:

زَوَّجْتُكَ نَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ بِالْأَجْرَةِ الْمَعْلُومَةِ
قَبِلْتُ التَّزْوِيحَ لِمُوكِّلِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ بِالْأَجْرَةِ
الْمَعْلُومَةِ

وكالتی : بعد از تعیین اجرت و مدت وکیل زن و مرد

میگوید

مَنْعْتُ مُوَكَّلَتِي مُوَكَّلِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ بِالْأَجْرَةِ
الْمَعْلُومَةِ

قَبِلْتُ التَّمْتِيعَ لِمُوَكَّلِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ بِالْأَجْرَةِ
الْمَعْلُومَةِ

مَتَّعْتُ مُوَكَّلَتِي ٠٠٠ لِمُوَكَّلِي ٠٠٠ فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ
بِالْأَجْرَةِ الْمَعْلُومَةِ

قَبِلْتُ التَّمْتِيعَ وَالْمُتَّعَةَ لِمُوَكَّلِي ... فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ
بِالْأَجْرَةِ الْمَعْلُومَةِ

مَتَّعْتُ مُوَكَّلَتِي هَذِهِ لِمُوَكَّلِي هَذَا فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ
بِالْأَجْرَةِ الْمَعْلُومَةِ

قَبِلْتُ التَّمْتِيعَ وَالْمُتَّعَةَ لِمُوَكَّلِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ
بِالْأَجْرَةِ الْمَعْلُومَةِ

مَتَّعْتُهَا إِيَّاهُ فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ بِالْأَجْرَةِ الْمَعْلُومَةِ
قَبِلْتُ التَّمْتِيعَ لَهُ فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ بِالْأَجْرَةِ الْمَعْلُومَةِ

٢- عقد دائم:

اصلي:

زن بگوید: أَنْكَحْتُكَ نَفْسِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ

مرد بگوید: قَبِلْتُ النِّكَاحَ لِنَفْسِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ

زن بگوید: زَوَّجْتُكَ نَفْسِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ

مرد بگوید قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ لِنَفْسِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ

زن بگوید: أَنْكَحْتُكَ وَ زَوَّجْتُكَ نَفْسِي عَلَى الصَّدَاقِ

الْمَعْلُومِ

مرد بگوید: قَبِلْتُ النِّكَاحَ وَالتَّزْوِيجَ لِنَفْسِي عَلَى الصَّدَاقِ

الْمَعْلُومِ

عقد دائم و کالتی:

۱- زن یکنفر را وکیل نموده و زوج خودش عاقد است

أَنْكَحْتُ (أَنْكَحْتُكَ) مُوَكَّلَتِي فَاطِمَةَ بِإِذْنِ أَبِيهَا لِنَفْسِيكَ

عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَ مَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ

قَبِلْتُ النِّكَاحَ لِنَفْسِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَ مَعَ الشَّرَاطِ

الْمَعْلُومِ

زَوَّجْتُ (زَوَّجْتُكَ) مُوَكَّلَتِي فَاطِمَةَ بِإِذْنِ أَبِيهَا لِنَفْسِكَ
عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ
قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ لِنَفْسِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ
الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ

أَنْكَحْتُ وَ زَوَّجْتُ (أَنْكَحْتُكَ وَ زَوَّجْتُكَ) مُوَكَّلَتِي فَاطِمَةَ
بِإِذْنِ أَبِيهَا لِنَفْسِكَ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِطِ
الْمَعْلُومَةِ

قَبِلْتُ النِّكَاحَ وَ التَّزْوِيجَ لِنَفْسِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَ
مَعَ الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ

۲- زن و شوهر هر دو یکنفر را وکیل کنند

أَنْكَحْتُ مُوَكَّلَتِي مُوَكَّلِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ
الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ

قَبِلْتُ النِّكَاحَ لِمُوكَّلِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ
الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ

أَنْكَحْتُ مُوَكَّلَتِي ... بِنْتِ ... بِإِذْنِ أَبِيهَا مُوَكَّلِي ... إِبْنِ ... عَلِيٍّ
 الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ
 قَبِلْتُ النِّكَاحَ لِمُوَكَّلِي ... إِبْنِ ... عَلِيٍّ الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَ
 مَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ
 زَوَّجْتُ مُوَكَّلَتِي مُوَكَّلِي عَلِيٍّ الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ
 الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ
 قَبِلْتُ التَّرْوِيجَ لِمُوَكَّلِي عَلِيٍّ الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَ بِالشَّرَاطِ
 الْمَعْلُومِ
 زَوَّجْتُ مُوَكَّلَتِي ... بِنْتِ ... بِإِذْنِ أَبِيهَا مُوَكَّلِي ... إِبْنِ ... عَلِيٍّ
 الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ
 قَبِلْتُ التَّرْوِيجَ لِمُوَكَّلِي ... إِبْنِ ... عَلِيٍّ الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَ
 مَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ
 أَنْكَحْتُ وَ زَوَّجْتُ مُوَكَّلَتِي مُوَكَّلِي عَلِيٍّ الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ
 وَ مَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ

قَبِلْتُ النِّكَاحَ وَالتَّزْوِيجَ لِمُوكَلِّي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَ
مَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ

أَنْكَحْتُ وَ زَوَّجْتُ مُوكَلَّتِي هَذِهِ بِإِذْنِ أَبِيهَا لِمُوكَلِّي هَذَا
عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَ مَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ

قَبِلْتُ النِّكَاحَ وَالتَّزْوِيجَ لِمُوكَلِّي هَذَا عَلَى الصَّدَاقِ
الْمَعْلُومِ وَ مَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ

أَنْكَحْتُهَا إِيَّاهُ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَ مَعَ الشَّرَاطِ
الْمَعْلُومِ

قَبِلْتُ النِّكَاحَ لَهُ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَ مَعَ الشَّرَاطِ
الْمَعْلُومِ

زَوَّجْتُهَا بِهِ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَ مَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ
قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ لَهُ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَ مَعَ الشَّرَاطِ
الْمَعْلُومِ

۳- در عقد دائم اگر زن یکنفر و مرد یکنفر دیگر را

وکیل کند

أَنْكَحْتُ مُوَكَّلَتِي مُوَكَّلَكَ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ

الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ

قَبِلْتُ النِّكَاحَ لِمُوَكَّلِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ

الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ

أَنْكَحْتُ مُوَكَّلَتِي ... بِنْتِ... بِإِذْنِ أَبِيهَا لِمُوَكَّلِكَ (مِنْ

مُوَكَّلِكَ) ... ابْنِ... عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِطِ

الْمَعْلُومَةِ

قَبِلْتُ النِّكَاحَ لِمُوَكَّلِي... ابْنِ... عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ

الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ

زَوَّجْتُ مُوَكَّلَتِي مُوَكَّلَكَ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ

الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ

قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ لِمُوَكَّلِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ
الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ

زَوَّجْتُ مُوَكَّلَتِي ... بِنْتِ ... بِإِذْنِ أَبِيهَا بِمُوَكَّلِكَ (مِنْ
مُوَكَّلِكَ) ابْنِ ... عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِ
الْمَعْلُومِ

قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ لِمُوَكَّلِي ... ابْنِ ... عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَ
مَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ

أَنْكَحْتُ وَ زَوَّجْتُ مُوَكَّلَتِي هَذِهِ بِإِذْنِ أَبِيهَا لِمُوَكَّلِكَ (مِنْ
مُوَكَّلِكَ) هَذَا عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِ
الْمَعْلُومِ

قَبِلْتُ النِّكَاحَ وَالتَّزْوِيجَ لِمُوَكَّلِي هَذَا عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ
وَمَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ

أَنْكَحْتُهَا إِيَّاهُ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِ
الْمَعْلُومِ

قَبِلْتُ النِّكَاحَ لَهُ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِطِ
الْمَعْلُومَةِ

زَوَّجْتُهَا بِهِ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ
قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ لَهُ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِطِ
الْمَعْلُومَةِ

۴- در عقد نکاح دائم اگر وکیل زن و وکیل مرد هر دو
یک نفر را وکیل کنند

أَنْكَحْتُ مُوَكَّلَةً مُوَكَّلِي مُوَكَّلَ مُوَكَّلِي عَلَى الصَّدَاقِ
الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ
قَبِلْتُ النِّكَاحَ لِمُوَكَّلِ مُوَكَّلِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ
الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ

أَنْكَحْتُ مُوَكَّلَةً مُوَكَّلِي... بِنْتِ... بِإِذْنِ أَبِيهَا لِمُوَكَّلِ مُوَكَّلِي
(مِنْ مُوَكَّلِ مُوَكَّلِي)... ابْنِ... عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ
الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ

قَبِلْتُ النِّكَاحَ لِمُوَكَّلٍ مُوَكَّلِي... إِبْنِ... عَلَى الصَّدَاقِ
المَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ

زَوَّجْتُ مُوَكَّلَةً مُوَكَّلِي مُوَكَّلَ مُوَكَّلِي عَلَى الصَّدَاقِ
المَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ

قَبِلْتُ التَّرْوِيجَ لِمُوَكَّلٍ مُوَكَّلِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ
الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ

زَوَّجْتُ مُوَكَّلَةً مُوَكَّلِي... بِنْتِ... بِإِذْنِ أَبِيهَا بِمُوَكَّلٍ مُوَكَّلِي
(مِنْ مُوَكَّلٍ مُوَكَّلِي)... إِبْنِ... عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ
الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ

قَبِلْتُ التَّرْوِيجَ لِمُوَكَّلٍ مُوَكَّلِي... إِبْنِ... عَلَى الصَّدَاقِ
المَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ

أَنْكَحْتُ وَ زَوَّجْتُ مُوَكَّلَةً مُوَكَّلِي هَذِهِ بِإِذْنِ أَبِيهَا لِمُوَكَّلٍ
مُوَكَّلِي (مِنْ مُوَكَّلٍ مُوَكَّلِي) هَذَا عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَ
مَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ

قَبِلْتُ النِّكَاحَ وَالتَّزْوِيجَ لِمُوَكَّلٍ مُوَكَّلِي هَذَا عَلَى الصَّدَاقِ
 الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ
 أَنْكَحْتُهَا إِيَّاهُ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِ
 الْمَعْلُومِ

قَبِلْتُ النِّكَاحَ لَهُ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِ
 الْمَعْلُومِ

زَوَّجْتُهَا بِهِ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ
 قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ لَهُ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِ
 الْمَعْلُومِ

اگر زوجین مادرشان را وکیل کنند و مادرشان یکنفر را
 وکیل کنند

بجای مُوَكَّلَةٌ مُوَكَّلِي مُوَكَّلٍ مُوَكَّلِي - (مُوَكَّلٌ مُوَكَّلَتِي
 مُوَكَّلَةٌ مُوَكَّلَتِي) و در قبول بجای لِمُوَكَّلٍ مُوَكَّلِي - لِمُوَ
 كِلٍ مُوَكَّلَتِي) بخواند

۵- در عقد نکاح دائم اگر وکیل زن و وکیل مرد هر

کدام یک نفر را وکیل کنند

أَنْكَحْتُ مُوَكَّلَةً مُوَكَّلِي مُوَكَّلَ مُوَكَّلِكَ عَلَى الصَّدَاقِ

المَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ

قَبِلْتُ النِّكَاحَ لِمُوَكَّلِ مُوَكَّلِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ

الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ

أَنْكَحْتُ مُوَكَّلَةً مُوَكَّلِي... بِنْتِ... بِإِذْنِ أَبِيهَا لِمُوَكَّلِ مُوَكَّلِكَ

(مِنْ مُوَكَّلِ مُوَكَّلِكَ)... ابْنِ... عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ

الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ

قَبِلْتُ النِّكَاحَ لِمُوَكَّلِ مُوَكَّلِي... ابْنِ... عَلَى الصَّدَاقِ

المَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ

زَوَّجْتُ مُوَكَّلَةً مُوَكَّلِي مُوَكَّلَ مُوَكَّلِكَ عَلَى الصَّدَاقِ

المَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ

قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ لِمُوَكَّلٍ مُوَكَّلِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ
الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ

زَوَّجْتُ مُوَكَّلَةً مُوَكَّلِي... بِنْتِ... بِإِذْنِ أَبِيهَا بِمُوَكَّلٍ مُوَكَّلِكَ
(مِنَ مُوَكَّلٍ مُوَكَّلِكَ) ... إِبْنِ... عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ
الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ

قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ لِمُوَكَّلٍ مُوَكَّلِي... إِبْنِ... عَلَى الصَّدَاقِ
الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ

أَنْكَحْتُ وَزَوَّجْتُ مُوَكَّلَةً مُوَكَّلِي هَذِهِ بِإِذْنِ أَبِيهَا لِمُوَكَّلٍ
مُوَكَّلِكَ (مِنَ مُوَكَّلٍ مُوَكَّلِكَ) هَذَا عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَ
مَعَ الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ

قَبِلْتُ النِّكَاحَ وَالتَّزْوِيجَ لِمُوَكَّلٍ مُوَكَّلِي هَذَا عَلَى
الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ

أَنْكَحْتُهَا إِيَّاهُ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِطِ
الْمَعْلُومَةِ

قَبِلْتُ النِّكَاحَ لَهُ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ

زَوَّجْتُهَا بِهِ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ
قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ لَهُ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ

۶- در عقد نکاح دائم زن ومرد هرکدام سه نفر را از طرف خود وکیل کنند

أَنْكَحْتُ مُوَكَّلَةً مُوَكَّلِ مُوَكَّلِي مُوَكَّلِ مُوَكَّلِ مُوَكَّلِكَ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ
قَبِلْتُ النِّكَاحَ لِمُوَكَّلِ مُوَكَّلِ مُوَكَّلِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ

أَنْكَحْتُ مُوَكَّلَةً مُوَكَّلِ مُوَكَّلِي... بِنْتِ... بِإِذْنِ أَبِيهَا لِمُوَكَّلِ مُوَكَّلِ مُوَكَّلِكَ (مِنْ مُوَكَّلِ مُوَكَّلِ مُوَكَّلِكَ) ... ابْنِ... عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ

قَبِلْتُ النِّكَاحَ لِمُوَكَّلٍ مُوَكَّلٍ مُوَكَّلِي... إِبْنِ... عَلَى الصَّدَاقِ
 الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ
 زَوَّجْتُ مُوَكَّلَةً مُوَكَّلٍ مُوَكَّلِي مُوَكَّلٍ مُوَكَّلِكَ عَلَى
 الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ
 قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ لِمُوَكَّلٍ مُوَكَّلٍ مُوَكَّلِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ
 وَمَعَ الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ
 زَوَّجْتُ مُوَكَّلَةً مُوَكَّلٍ مُوَكَّلِي... بِنْتِ... بِإِذْنِ أَبِيهَا بِمُوَكَّلٍ
 مُوَكَّلٍ مُوَكَّلِكَ (مِنْ مُوَكَّلٍ مُوَكَّلٍ مُوَكَّلِكَ) ... إِبْنِ... عَلَى
 الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ
 قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ لِمُوَكَّلٍ مُوَكَّلٍ مُوَكَّلِي... إِبْنِ... عَلَى
 الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ
 أَنْكَحْتُ وَزَوَّجْتُ مُوَكَّلَةً مُوَكَّلٍ مُوَكَّلِي هَذِهِ بِإِذْنِ أَبِيهَا
 لِمُوَكَّلٍ مُوَكَّلٍ مُوَكَّلِكَ (مِنْ مُوَكَّلٍ مُوَكَّلٍ مُوَكَّلِكَ) هَذَا
 عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ

قَبِلْتُ النِّكَاحَ وَالتَّزْوِيجَ لِمُوَكَّلٍ مُوَكَّلٍ مُوَكَّلِي هَذَا عَلَى
الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ
أَنْكَحْتُهَا إِيَّاهُ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَبِالشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ
قَبِلْتُ النِّكَاحَ لَهُ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِ
الْمَعْلُومِ

زَوَّجْتُهَا بِهِ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ
قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ لَهُ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِ
الْمَعْلُومِ

۷- صور دیگری از عقد نکاح داریم که زن و شوهر

یکنفر را وکیل کنند

أَنْكَحْتُ وَ زَوَّجْتُ لِمُوَكَّلِي ... إِبْنِ ... مُوَكَّلَتِي ... بِنْتِ ... بِأَذْنِ
أَبِيهَا عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ

قَبِلْتُ النِّكَاحَ وَالتَّزْوِيجَ لِمُوَكَّلِي...إِبْنِ... عَلَى الْمَهْرِ
 الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ
 أَنْكَحْتُ وَ زَوَّجْتُ لِهَذَا لَفْتَى الْمَعْلُومِ هَذِهِ الْفَتَاةَ الْمَعْلُومَةَ
 بِإِذْنِ أَبِيهَا عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ
 قَبِلْتُ النِّكَاحَ وَالتَّزْوِيجَ لِلْفَتَى الْمَعْلُومِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ
 وَمَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ
 أَنْكَحْتُ وَ زَوَّجْتُ إِيَّاهُ إِيَّاهَا بِإِذْنِ أَبِيهَا عَلَى الصَّدَاقِ
 الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ
 قَبِلْتُ النِّكَاحَ وَالتَّزْوِيجَ لَهُ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ وَ
 بِالشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ
 أَنْكَحْتُ وَ زَوَّجْتُ ذَكَ تِلْكَ بِإِذْنِ أَبِيهَا عَلَى الصَّدَاقِ
 الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ
 قَبِلْتُ النِّكَاحَ وَالتَّزْوِيجَ لِذَلِكَ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ
 الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ

۸- عقد دائم ولایتی:

پدر دخترش را به پسرى عقد نماید

پدر دختر: أَنْكَحْتُ ابْنَتِي ... إِبْنَكَ ... عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ

پدر پسر: قَبِلْتُ النِّكَاحَ لِابْنِي ... عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ

پدر دختر: زَوَّجْتُ ابْنَتِي ... إِبْنَكَ ... عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ

پدر پسر: قَبِلْتُ التَّرْوِيجَ لِابْنِي ... عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ

عقد ولایتی با وکیل: پدران یکنفر را وکیل نموده

أَنْكَحْتُ ابْنَةَ مُوَكَّلِي ... إِبْنَ مُوَكَّلِي ... عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ

قَبِلْتُ النِّكَاحَ لِابْنِ مُوَكَّلِي ... عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ

زَوَّجْتُ ابْنَةَ مُوَكَّلِي ... إِبْنَ مُوَكَّلِي ... عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ

قَبِلْتُ التَّرْوِيجَ لِابْنِ مُوَكَّلِي ... عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ

عقد فضولی

أَنْكَحْتُ الْمَرْئَةَ الْمَعْلُومَةَ الْمَرْءَ الْمَعْلُومَ عَلَى الصَّدَاقِ

الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ

قَبِلْتُ النِّكَاحَ لِلْمَرْءِ الْمَعْلُومِ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ
الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ

أَنْكَحْتُ الْمَرْثَةَ الْمَعْلُومَةَ لِلْمَرْءِ الْمَعْلُومِ عَلَى الصَّدَاقِ
الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ

قَبِلْتُ النِّكَاحَ لِلْمَرْءِ الْمَعْلُومِ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ
الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ

زَوَّجْتُ الْمَرْثَةَ الْمَعْلُومَةَ الْمَرْءَ الْمَعْلُومَ عَلَى الصَّدَاقِ
الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ

قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ لِلْمَرْءِ الْمَعْلُومِ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ
الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ

زَوَّجْتُ الْمَرْثَةَ الْمَعْلُومَةَ بِالْمَرْءِ الْمَعْلُومِ عَلَى الصَّدَاقِ
الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ

قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ لِلْمَرْءِ الْمَعْلُومِ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ
الشَّرَاطِ الْمَعْلُومِ

أَنْكَحْتُهَا إِيَّاهُ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِطِ
الْمَعْلُومَةِ

قَبِلْتُ النِّكَاحَ لَهُ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِطِ
الْمَعْلُومَةِ

زَوَّجْتُهَا بِهِ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ
قَبِلْتُ التَّرْوِيجَ لَهُ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِطِ
الْمَعْلُومَةِ

عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ أَنْكَحْتُ وَ
زَوَّجْتُ الْمَرْئَةَ الْمَعْلُومَةَ الْمَرْءَ الْمَعْلُومَ

قَبِلْتُ النِّكَاحَ وَ التَّرْوِيجَ لِلْمَرْءِ الْمَعْلُومِ عَلَى الصَّدَاقِ
الْمَعْلُومِ وَمَعَ الشَّرَاطِطِ الْمَعْلُومَةِ

تبصره : در عقد فضولی بجای (مرء و مرئه) میتوان از

کلمه (فتا و فتاة و یا مرئه و رجل) استفاده کرد

دعا بعد از عقد نکاح:

اللَّهُمَّ أَلْفَ بَيْنَهُمَا كَمَا أَلْفَتْ بَيْنَ آدَمَ وَ حَوَا (آمین)
 اللَّهُمَّ أَلْفَ بَيْنَهُمَا كَمَا أَلْفَتْ بَيْنَ يَوْسُفَ وَ زُلَيْخَا (آمین)
 اللَّهُمَّ أَلْفَ بَيْنَهُمَا كَمَا أَلْفَتْ بَيْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى (ص) وَ
 خَدِيجَةَ الْكُبْرَى (آمین)

اللَّهُمَّ أَلْفَ بَيْنَهُمَا كَمَا أَلْفَتْ بَيْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَ فَاطِمَةَ
 الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ الْعَالَمِينَ (آمین)

اللَّهُمَّ بَارِكْ عَقْدَهُمَا (آمین) - وَشَدِّدْ وَصْلَهُمَا (آمین) - طَهَّرْ
 نَفْسَهُمَا (آمین) - طَيِّبْ نَسْلَهُمَا (آمین) - وَسَّعْ رِزْقَهُمَا (آمین) -
 أَرْغِدْ عَيْشَهُمَا (آمین) - وَرَزُقْهُمَا أَوْلَاداً
 صَالِحِينَ سَالِمِينَ سَاكِنِينَ، ذُكُوراً أُنثَاءً بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ
 الطَّاهِرِينَ (آمین). صلوات

طلاق:

توبرای وصل کردن آمدی نی برای فصل کردن آمدی
 تا توانی یا منه اندر فراق ابغض الاشياء عندی الطلاق

در آیه ۲۲۹ سوره بقره آمده است که:

الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَ
لَا يَحِلُّ لَكُمُ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا

(طلاقى که رجوع و بازگشت دارد، دو مرتبه است،
(و در هر مرتبه،) باید به طور شایسته همسر خود را
نگاهداری کند (و آشتی نماید)، یا با نیکی او را رها
سازد (و از او جدا شود). و برای شما حلال نیست که
چیزی از آنچه به آنها داده اید پس بگیرید.

در آیه ۲۳۰ همین سوره می‌خوانیم

فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ
فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمْ

اگر (بعد از دو طلاق و رجوع، بار دیگر) او را طلاق
داد، از آن به بعد، زن بر او حلال نخواهد بود، مگر
اینکه همسر دیگری انتخاب کند (و با او زناشویی

نماید. در این صورت اگر (همسر دوم) او را طلاق گفت، گناهی ندارد که بازگشت کنند و با همسر اول، دوباره ازدواج نماید

قال رسول الله (ص):

مَا أَحَلَّ اللَّهُ شَيْئًا أَبْغَضَ إِلَيْهِ مِنَ الطَّلَاقِ

(میزان الحکمه)

خداوند چیزی را که نزد او منفورتر از طلاق باشد،

حلال نکرده است

الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْبَيْتَ الَّذِي فِيهِ الْعُرْسُ، وَ

يُبْغِضُ الْبَيْتَ الَّذِي فِيهِ الطَّلَاقُ، وَ مَا مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَى

اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الطَّلَاقِ

خداوند عز و جل خانه ای را که در آن عروسی باشد

دوست دارد و خانه ای را که در آن طلاق باشد،

دشمن دارد و نزد خداوند عزّ و جلّ چیزی منفورتر از طلاق نیست (میزان الحکمه)

اقسام طلاق:

الف - بائن:

- ۱- صغیره یعنی زنی که نه سالش تمام نشده است
- ۲- (غیر مدخوله) طلاقى که قبل از نزدیکی واقع شود و عده ندارد
- ۳- (یائسه) طلاقى که در سن یائسگی انجام گیرد و عده ندارد
- ۴- زنیکه او را سه دفعه طلاق داده اند(همسرش را سه بار طلاق داده و در بین هر دو طلاق رجوع کند بعد از طلاق سوم آن زن بر وی حرام است و در ایام عده حق رجوع هم ندارد)

تبصره: مسأله ۱۲ تحریر الوسیله در تکمیل عده - اگر مرد زوجهٔ حره اش را سه طلاق دهد که بین آن ها ازدواج مرد دیگری واقع نشود، بر او حرام می شود و ازدواج او برایش جایز نیست مگر این که با شوهر دیگری با شروطی که در کتاب طلاق می آید - ازدواج نماید. و اگر او را نه طلاق عدّی دهد در حالی که دو محلل در بین آن نه طلاق واقع شود، به این که بعد از سه تای اولی و دومی با غیر طلاق دهنده، ازدواج نماید برای همیشه بر او حرام می شود. و کیفیت وقوع نه طلاق عدّی این است که با شرایط، او را طلاق دهد سپس در عده به او رجوع نماید و او را وطی نماید سپس او را در طهر دیگر طلاق دهد و بعداً رجوع نماید و با او وطی کند پس طلاق سوم او را بدهد و پس از آن بعد از عده اش شوهر دیگری با او ازدواج

نماید و بعد از وطی با او از او جدا شود سپس شوهر
اولی بعد از عده اش با او ازدواج نماید سپس سه
طلاق را مانند اول بر او واقع سازد و کسی دیگر با او
ازدواج نماید، و سه طلاق دیگر مانند طلاق های سابق
بر او واقع سازد تا این که نه طلاق شود که بین آن ها
ازدواج دو مرد واقع شود پس در نهمی ابداً بر او حرام
می شود.

۵- خلعی : زن بواسطه کراهت از زوج در مقابل مالی
که به شوهر می دهد (بذل میکند) اعم از مهریه و نفقه و
یا بیشتر و یا کمتر و یا هر مال دیگر و تا مادامیکه
رجوع به عوض نکرده باشد در ایام عده حق رجوع
بزوج نیست

۶- مبارات : بعلت کراحت طرفین که زوجه مالی بزوج میدهد بشرطیکه مال داده شده زائد بر مهریه نباشد و در ایام عده حق رجوع بزوج نیست

ب- رجعی: زوج حقوق حقه زوجه را اعم از مهریه و نفقه پرداخت کند و زوج در ایام عده حق رجوع دارد و حق بیرون کردن زن از منزل مشترک در ایام عده را ندارد مگر در مواردیکه استثنا شده است

تبصره: در طلاق قضائی نوع طلاق مفقودالایر رجعی و مابقی بائن خواهد بود

صور مختلف صیغه طلاق

طلاق از ایقاعات است و قبول نمی خواهد و میتوان اصالتا و یا وکالتا در حضور دو نفر شاهد عادل با رعایت شرائط شرعی زوجه اجرا نمود

الف - رجعی:

(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ
أَتُوبُ إِلَيْهِ)

۱- اصالتی: خود زوج طلاق بدهد

فَاطِمَةُ زَوْجَتِي طَالِقٌ، هِيَ طَالِقٌ طَلَّقَهُ، هِيَ طَالِقٌ مَرَّةً،
عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ رَسُولِهِ (ص)

۲- زوج مجری را وکیل نماید

فَاطِمَةُ زَوْجَةٌ مُوَكَّلِي حَسَنَ طَالِقٌ، هِيَ طَالِقٌ طَلَّقَهُ، هِيَ
طَالِقٌ مَرَّةً، عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ رَسُولِهِ (ص)
يَا زَوْجَةُ مُوَكَّلِي حَسَنَ الْمُسْمَاهِ بِفَاطِمَةَ طَالِقٌ، هِيَ
طَالِقٌ طَلَّقَهُ، هِيَ طَالِقٌ مَرَّةً، عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ
رَسُولِهِ (ص)

۳- زوج غائب و وکیل مرد دارد

فَاطِمَةُ زَوْجَةٌ مُوَكَّلِ مُوَكَّلِي حَسَنَ طَالِقٌ، هِيَ طَالِقٌ
طَلَّقَهُ، هِيَ طَالِقٌ مَرَّةً، عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ رَسُولِهِ (ص)

۴- زوج وکیل زن دارد

فَاطِمَةُ زَوْجَةٌ مُوَكَّلَةٌ مُوَكَّلَتِي حَسَنَ طَالِقٍ، هِيَ طَالِقٌ
 طَلَقَتْ، هِيَ طَالِقٌ مَرَّةً، عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّتِ
 رَسُولِهِ (ص)

۵- زوج محجور و قیّم یا ولی دارد

فَاطِمَةُ زَوْجَةٌ حَسَنَ بَوَكَالَةِ قَيِّمِهِ (وَلِيِّهِ) طَالِقٍ، هِيَ طَالِقٌ
 طَلَقَتْ، هِيَ طَالِقٌ مَرَّةً
 ، عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّتِ رَسُولِهِ (ص)

۶- زوج غائب و زوجه باذن حاکم

فَاطِمَةُ زَوْجَةٌ حَسَنَ مَنْ وَّلَّاهُ الْحَاكِمُ طَالِقٌ (وَكَالَتْهَا عَنِ
 الْحَاكِمِ يَا نِيَابَتًا عَنِ الْحَاكِمِ) ، هِيَ طَالِقٌ طَلَقَتْ، هِيَ طَالِقٌ
 مَرَّةً، عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ رَسُولِهِ (ص))

در طلاق رجعی در تمام صور میتوان نام زوجه را
 پس از نام زوج آورد مثلاً

زَوْجَةٌ مُوَكَّلِي حَسَنُ الْمُسَمَّاءُ بِفَاطِمَةَ طَالِقٌ، هِيَ طَالِقٌ
 طَلِيقَةٌ، هِيَ طَالِقٌ مَرَّةً

فَاطِمَةُ زَوْجَةٌ مُوَكَّلِي حَسَنُ طَالِقٌ، هِيَ طَالِقٌ طَلِيقَةٌ، هِيَ
 طَالِقٌ مَرَّةً عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّتِ رَسُولِهِ (ص)

در باین غیر مدخوله و یائسه مانند رجعی خوانده
 میشود مگر بذلی انجام پذیرد.

ب - خلع و مبارات:

خُلْعٌ:

۱- مرد و زن خودش میخواند:

زَن بگوید: بَدَّلْتُكَ مَهْرِي لِتَخْلَعَنِي عَلَيْهِ وَ لِتَطْلُقَنِي بِهِ

مرد بگوید: زَوْجَتِي فَاطِمَةُ خَالَعَتْهَا عَلَيَّ مَا بَدَّلْتُ هِيَ
 طَالِقٌ

۲- مرد از طرف زن وکیل باشد

بَدَلْتُ مَهْرَ مُوَكَّلَتِي فَاطِمَةَ لِنَفْسِي لِأَخْلَعَهَا عَلَيْهِ
وَأُطَلِّقَهَا بِهِ

قَبِلْتُ الْبَدْلَ لِنَفْسِي

فَاطِمَةُ زَوْجَتِي خَالَعْتُهَا عَلَى مَا بَدَلْتُ هِيَ طَالِقٌ هِيَ
طَالِقٌ طَلَّقَهُ، هِيَ طَالِقٌ مَرَّةً عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّتِ
رَسُولِهِ (ص)

۳- زوجین حاضر و هر دو مجری را وکیل نموده اند
عَنْ قَبْلِ (يَا عَن) مُوَكَّلَتِي فَاطِمَةَ بَدَلْتُ مَهْرَهَا يَا
بَدَلْتُ (تمام-نصف-ربع-بعض) مَهْرَهَا لِمُوَكَّلِي حَسَن
زَوْجِهَا لِأَخْلَعَهَا عَلَيْهِ وَ أُطَلِّقَهَا بِهِ. قَبِلْتُ الْبَدْلَ لِمُوَكَّلِي
حَسَن

فَاطِمَةُ زَوْجَةُ مُوَكَّلِي حَسَن خَالَعْتُهَا عَلَى مَا بَدَلْتُ فَهِيَ
طَالِقٌ، هِيَ طَالِقٌ طَلَّقَهُ، هِيَ طَالِقٌ مَرَّةً، عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ
سُنَّتِ رَسُولِهِ (ص)

۴- زوجین هردو وکیل مرد دارند

عَنْ قَبْلِ مُوَكَّلَةٍ مُوَكَّلِي فَاطِمَةَ بَدَلْتُ مَهْرَهَا يَا
بَدَلْتُ (تمام- نصف- ربع- بعض) مَهْرَهَا لِمُوَكَّلٍ مُوَكَّلِي
حَسَنَ زَوْجِهَا لِاخْلَعِهَا عَلَيْهِ وَاطْلَقَهَا بِهِ. قَبِلْتُ الْبَدْلَ
لِمُوَكَّلٍ مُوَكَّلِي حَسَنَ
فَاطِمَةَ زَوْجَهُ مُوَكَّلٍ مُوَكَّلِي حَسَنَ خَالَعْتُهَا عَلَيَّ مَا بَدَلْتُ
فَهِيَ طَالِقٌ هِيَ طَالِقٌ طَلَّقَهُ، هِيَ طَالِقٌ مَرَّةً، عَلَيَّ كِتَابَ
اللَّهِ وَسُنَّتِ رَسُولِهِ (ص)

اگر وکیل زن داشته باشند بجای مُوَكَّلَةٍ مُوَكَّلِي (مُوَكَّلَةٍ
مُوَكَّلَتِي) و بجای مُوَكَّلٍ مُوَكَّلِي
(مُوَكَّلِي مُوَكَّلَتِي) خوانده میشود

۵- زوجه حاضر و زوج وکیل مرد دارد

عَنْ قَبْلِ مُوَكَّلَتِي فَاطِمَةَ بَدَلْتُ مَهْرَهَا يَا بَدَلْتُ (تمام-
نصف- ربع- بعض) مَهْرَهَا لِمُوَكَّلٍ مُوَكَّلِي حَسَنَ زَوْجِهَا

لَاخْلَعَهَا عَلَيْهِ وَأُطْلِقَهَا بِهِ. قَبِلْتُ الْبَدَلَ لِمُوَكَّلٍ لِمُوَكَّلٍ مُوَكَّلِي
حَسَنَ

فَاطِمَةُ زَوْجَهُ مُوَكَّلٍ مُوَكَّلِي حَسَنَ خَالَعْتُهَا عَلَى مَا بَدَلْتُ
فَهِیَ طَالِقٌ هِیَ طَالِقٌ طَلَقْتُ هِیَ طَالِقٌ مَرَّةً، عَلَى كِتَابِ
اللَّهِ وَ سُنَّتِ رَسُولِهِ (ص)

۶- زوجه محجور و ولی یا قیم دارد و زوج مادرش را
وکیل و مادر برادرش را وکیل آنهم مجری را وکیل
نموده.

فَاطِمَةُ زَوْجَهُ حَسَنَ بِوِكَالَةٍ وَلِيِّهَا (قِيمِهَا) بَدَلْتُ مَهْرَهَا يَا
بَدَلْتُ (تمام- نصف- ربع- بعض) مَهْرَهَا لِمُوَكَّلٍ مُوَكَّلَةً
مُوَكَّلِي حَسَنَ زَوْجِهَا لِاخْلَعَهَا عَلَيْهِ وَأُطْلِقَهَا بِهِ. قَبِلْتُ
الْبَدَلَ لِمُوَكَّلٍ مُوَكَّلَةً مُوَكَّلِي حَسَنَ

فَاطِمَةُ زَوْجَةَ مُوَكَّلٍ مُوَكَّلَةٌ مُوَكَّلِي بَوِكَالَةٍ وَوَلِيِّهِ (قِيَمِهِ)
خَالَعْتُهَا عَلَى مَا بَدَلْتُ فِيهِ طَالِقٌ هِيَ طَالِقٌ طَلَقَهُ ، هِيَ
طَالِقٌ مَرَّةً ، عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّتِ رَسُولِهِ (ص)

۷- زوج حاضر و زوجه وكيل دارد :

عَنْ قَبْلِ مُوَكَّلَةٍ مُوَكَّلِي فَاطِمَةَ بَدَلْتُ مَهْرَهَا يَا
بَدَلْتُ (تمام-نصف-ربع-بعض) مَهْرَهَا لِمُوَكَّلِي حَسَنُ
زَوْجِهَا لِاخْلَعَهَا عَلَيْهِ وَأَطْلَقَهَا بِهِ. قَبِلْتُ الْبَدْلَ لِمُوَكَّلِي
حَسَنُ

فَاطِمَةُ زَوْجَةُ مُوَكَّلِي حَسَنُ خَالَعْتُهَا عَلَى مَا بَدَلْتُ فِيهِ
طَالِقٌ ، هِيَ طَالِقٌ طَلَقَهُ ، هِيَ طَالِقٌ مَرَّةً ، عَلَى كِتَابِ اللَّهِ
وَ سُنَّةِ رَسُولِهِ (ص)

۸- زوجین محجور و ولی یا قیم دارند:

فَاطِمَةُ زَوْجَهُ حَسَنَ بَوِكَالَةٍ وَلِيِّهَا (قِيَمِهَا) بَدَلْتُ مَهْرَهَا يَا
 بَدَلْتُ (تمام-نصف-ربع-بعض) مَهْرَهَا لِوَلِيِّ (لِقِيَمِ)
 زَوْجِهَا حَسَنًا لِاخْلَعِهَا عَلَيْهِ وَأُطْلِقَهَا بِهِ. قَبِلْتُ الْبَدْلَ
 لِوَلِيِّ (لِقِيَمِ) زَوْجِهَا حَسَنًا

فَاطِمَةُ زَوْجَهُ حَسَنَ بَوِكَالَةٍ وَلِيِّهِ (قِيَمِهِ) خَالَعْتُهَا عَلَى مَا
 بَدَلْتُ فِيهِ طَالِقٌ ، هِيَ طَالِقٌ طَلَقَهُ ، هِيَ طَالِقٌ مَرَّةً ، عَلَى
 كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ رَسُولِهِ (ص)

۹- زوج محجور و ولی یا قیم دارد:

عَنْ قَبْلِ مُوَكَّلَتِي فَاطِمَةَ بَدَلْتُ مَهْرَهَا يَا بَدَلْتُ (تمام-
 نصف-ربع-بعض) مَهْرَهَا لِزَوْجِهَا حَسَنًا بَوِكَالَةٍ
 قِيَمِهِ/وَلِيِّهِ لِاخْلَعِهَا عَلَيْهِ وَأُطْلِقَهَا بِهِ. قَبِلْتُ الْبَدْلَ لِوَلِيِّ
 (لِقِيَمِ) زَوْجِهَا حَسَنًا

فَاطِمَةُ زَوْجَهُ حَسَنٌ خَالَعْتُهَا عَلَى مَا بَدَّلْتُ فِيهِ طَالِقٌ ،
 هِيَ طَالِقٌ طَلَقَهُ ، هِيَ طَالِقٌ مَرَّةً ، عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ
 رَسُولِهِ (ص)

۱۰- زوج غائب و زوجه باذن حاکم:

عَنْ قَبْلِ مُوَكَّلَتِي فَاطِمَةَ بَدَّلْتُ مَهْرَهَا يَا بَدَّلْتُ (تمام-
 نصف-ربع-بعض) مَهْرَهَا لِزَوْجِهَا حَسَنٌ مَنْ وَّلَّاهُ
 الْحَاكِمُ (وَكَاثِنًا عَنِ الْحَاكِمِ يَا نِيَابَتًا عَنِ الْحَاكِمِ) لِأَخْلَعَهَا
 عَلَيْهِ وَ أَطْلَقَهَا بِهِ. قَبِلْتُ الْبَدْلَ لِزَوْجِهَا حَسَنٌ مَنْ وَّلَّاهُ
 الْحَاكِمُ (وَكَاثِنًا عَنِ الْحَاكِمِ يَا نِيَابَتًا عَنِ الْحَاكِمِ)
 فَاطِمَةُ زَوْجَهُ حَسَنٌ مَنْ وَّلَّاهُ الْحَاكِمُ (وَكَاثِنًا عَنِ الْحَاكِمِ
 يَا نِيَابَتًا عَنِ الْحَاكِمِ) خَالَعْتُهَا عَلَى مَا بَدَّلْتُ فِيهِ طَالِقٌ ،
 هِيَ طَالِقٌ طَلَقَهُ ، هِيَ طَالِقٌ مَرَّةً ، عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ
 رَسُولِهِ (ص)

۱۱- زوجه حاضر و از طرف زوج وکیل است:

عَنْ قَبْلِ مُوَكَّلَتِي فَاطِمَةَ بَدَلْتُ مَهْرَهَا يَا بَدَلْتُ (تمام-
 نصف-ربع-بعض) مَهْرَهَا لِمُوَكَّلٍ مُوَكَّلَتِي حَسَنُ زَوْجِهَا
 لِأَخْلَعَهَا عَلَيْهِ وَأُطَلِّقَهَا بِهِ. قَبِلْتُ الْبَدْلَ لِمُوَكَّلٍ مُوَكَّلَتِي
 حَسَنُ

فَاطِمَةَ زَوْجَةً مُوَكَّلٍ مُوَكَّلَتِي حَسَنُ خَالَعْتُهَا عَلَى مَا
 بَدَلْتُ فِيهِ طَالِقٌ ، هِيَ طَالِقٌ طَلَّقَهُ ، هِيَ طَالِقٌ مَرَّةً ، عَلَى
 كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ رَسُولِهِ (ص)

۱۲- زوجین هر کدام وکیل جداگانه دارند

وکیل زن بگوید:

عَنْ قَبْلِ مُوَكَّلَتِي فَاطِمَةَ بَدَلْتُ مَهْرَهَا يَا بَدَلْتُ (تمام-
 نصف-ربع-بعض) مَهْرَهَا لِمُوَكَّلِكَ حَسَنُ زَوْجِهَا
 لِتُخْلَعَهَا عَلَيْهِ وَتُطَلَّقَهَا بِهِ

وکیل مرد فوراً بگوید:

قَبِلْتُ الْبَدْلَ لِمُوَكَّلِي حَسَنَ فَخَلَعْتُ مُوَكَّلَتِكَ فَاطِمَةَ عَلَيْهِ
 فِيهِ مُخْتَلَعَةٌ عَلَى مَا بَدَلْتُ، فِيهِ طَالِقٌ، هِيَ طَالِقٌ طَلَقَةٌ،
 هِيَ طَالِقٌ مَرَّةً عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّتِ رَسُولِهِ (ص)

تبصره: در طلاق نوبت اول مره، در نوبت دوم مرتین و
 در نوبت سوم ثلاث مره بیان میشود.

مبارات:

عَنْ قَبْلِ مُوَكَّلَتِي فَاطِمَةَ بَدَلْتُ مَهْرَهَا يَا بَدَلْتُ (تمام -
 نصف - ربع - بعض) مَهْرَهَا لِمُوَكَّلِي حَسَنَ زَوْجِهَا
 لِلْأُبَارِئِهَا عَلَيْهِ وَأَطَلَّقَهَا بِهِ. قَبِلْتُ الْبَدْلَ لِمُوَكَّلِي حَسَنَ
 فَاطِمَةَ زَوْجَهُ مُوَكَّلِي حَسَنَ بَارِئَتِهَا عَلَى مَا بَدَلْتُ فِيهِ
 طَالِقٌ، هِيَ طَالِقٌ طَلَقَةٌ، هِيَ طَالِقٌ مَرَّةً، عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ
 سُنَّةِ رَسُولِهِ (ص)

بقیه صور صیغه مبارات مانند خلع است

مجری میتواند در خلع و مبارات بعد از صیغه بذل، قبول بذل را نیز بگوید (قَبِلْتُ الْبَذْلَ عَنْ مُوَكَّلِي - ویا قَبِلْتُ الْبَذْلَ لِمُوَكَّلِي) (ولی چون مجری یکنفر است و قبلاً با وکالت زوج قبول بذل نموده اگر قبول بذل را هم در صیغه نگوید بنظم صحیح است) و نیز بجای عبارت لِاخْلَعَهَا وَ لِاطْلَقَهَا بگوید لِاخْلَعَهَا وَ يُطْلَقَهَا وَ بجای خالعتها / بارتتها علی ما بذلت بگوید مُخْتَلَعَةٌ علی ما بَدَلْتُ / مُبَارَاتٌ علی ما بذلت

عده:

۱- عده طلاق در زنهاى قبل از سن یائسگی سه قرء (طهر) است (المطلقات یتربصن بانفسهن ثلاثه قروء) و زنهائیکه قبل از سن یائسگی به جهتى عادت زنانگى

ندارند سه ماه است) واللاتی یئسن من المحیض من نسائکم ان ارتبتم فعدتهن ثلاثة اشهر واللاتی لم یحضن) ۰ و در صورت حامله بودن عده تا وضع حمل است (واولات الاحمال اجلهن ان یعضن حملهن)

۲- عده منقطعه چه پایان مدت و چه پس از بذل مدت دو قرء (حیض) است و در زندهای منقطعه که در سن قبل از یائسگی هستند و به جهتی عادت زنانگی ندارند ۴۵ روز است و در صورت حامله بودن عده تا وضع حمل است.

تبصره ۱: جهت احتیاط و اطمینان طبق قانون برای عده زنان مطلقه دائم رعایت سپری شدن سه ماه پس از اجرای طلاق و زنان منقطعه ۴۵ روز پس از بذل مدت و یا انقضای مدت پیش بینی شده است و در طلاق

رجعی سپری شدن سه ماه از تاریخ وقوع طلاق برای زوجین در منزل مشترک الزامی است

تبصره ۲- شرایط ازدواج زن پس از طلاق سوم با شوهرش رعایت شود (لزوم مُحَلَّل) و اگر مرد نه بار طلاق (عدی) بدهد زن بر آن مرد حرام ابدی میشود

۳- عده زنان شوهر مرده چه دائم و چه انقطاعی و چه نامزدها و چه صغیر و یا کبیر باشند چهار ماه و ده روز است و در این مدت بر زن واجب است حداد را رعایت نماید منظور از حداد (ترک نمودن هر عملی که عرفاً زینت شناخته میشود). (والذین یتوفون منکم و یذرون ازواجاً بانفسهن اربعه اشهر و عشرا)

۴- زنانیکه نامزد بوده و بکر میباشند و زنان یائسه (زنان معمولی ۵۰ سال به بالا و زنان هاشمی ۶۰ سال به بالا) عده طلاق ندارند. و در عقد موقت که دخول انجام

نگرفته در صورت بذل مدت و یا انقضای مدت زوجه
عده ندارد

تبصره : ۳- در مفقودالاثر بودن مرد زوجه پس از
طلاق عده وفات نگه میدارد

* اگر در عده طلاق مرد فوت کند رعایت
ابعدالاجلین در محاسبه عده برای زوجه الزامی است
۵- عده زناکار

زن بی شوهری که از راه زنا باردار شده عده ندارد.
چنان که به قول مشهور زن زناکار غیر باردار نیز عده
ندارد؛ ولی مستحب است کسی که مصمم به ازدواج با
اوست صبر کند تا زن یک بار خون ببیند (حیض شود)
و به سبب آن رحمش پاک شود و سپس با او ازدواج
کند. قول مقابل مشهور، وجوب عده در فرض حامله
نبودن زن است. عده او یک بار حیض شدن است.

۶- عده ناشی از ارتداد

چنانچه شوهر پس از آمیزش با همسرش مرتد مَلّی شود، زن باید عده طلاق نگه دارد. مرد پس از توبه می‌تواند به همسرش رجوع کند و در صورت عدم توبه با پایان یافتن مدت عده، زن از او جدا می‌شود و مرد حق رجوع ندارد.

اگر ارتداد مرد فطری باشد به محض ارتداد به طور قهری جدایی حاصل می‌شود و زن عده وفات نگه می‌دارد و پس از آن می‌تواند با مرد دیگری ازدواج کند.

اگر زن مرتد شود، چه به ارتداد مَلّی و چه فطری، زوال پیوند زناشویی منوط بر سپری شدن عده طلاق

است. اگر زن در این مدت به اسلام باز گردد، شوهر می‌تواند به او رجوع کند.

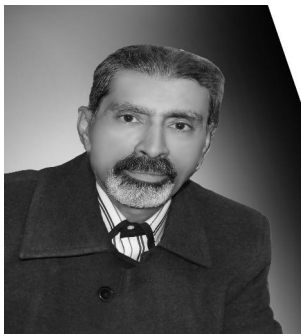
والسلام علی من التبع الهدی

از منادیان توحید و عاقدین محترم التماس دعا دارم
امیداست والدینم را از دعای خیر فراموش نفرمایند.

العبد الفقیر الی ربه الغنی:

محمد رضا ابن محبوب جلیلی (اهری) سنه ۱۳۹۳

یارب بنما رهی مرا سوی نجات
محتاج توام چه در حیات و چه ممات
از جرم گناه من سراسر بگذر
شرمنده مکن مرا در عرصات



ندارم هیچگونه توشه راه
بجز لا تقنطوا من رحمة الله

منابع:

- ۱- سفینه البحار نوشته ی شیخ عباس قمی
- ۲- وسائل الشیعه نوشته ی شیخ حر عاملی
- ۳- ازدواج موقت نوشته ی شیخ مفید
- ۴- مکارم الاخلاق نوشته ی شیخ طبرسی
- ۵- بحار الانوار نوشته ی علامه مجلسی
- ۶- مستدرک الوسائل نوشته ی محدث نوری
- ۷- تهذیب الاحکام نوشته ی ابوجعفر محمد طوسی
- ۸- رساله های عملیه -
- ۹- صیغ العقود نوشته ی ملا علی زنجانی